

اثرات روشهای مختلف تهیه بستر بر رشد رویشی، عملکرد و اجزاء عملکرد ماش

رضا جمشیدیان و محمدرضا خواجه پور*

چکیده

محدودیت زمان برای پوسیدگی بقایای محصول قبلی و انجام عملیات کامل تهیه بستر در کشت مضاعف، سبب ضرورت کاهش خاک ورزی و بروز مشکلات مرتبط با آن می‌گردد. از آنجایی که در ارتباط با مسایل تهیه بستر در کشت متوالی گندم - ماش در اصفهان اطلاعاتی در دست نیست، اثرات روشهای مختلف تهیه بستر در کشت متوالی گندم - ماش بر رشد، عملکرد و اجزاء عملکرد ماش (لاین آزمایشی ۱۶-۶۱-۱)، در سال ۱۳۷۵ در مزرعه تحقیقاتی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان مورد بررسی قرار گرفت. دو تیمار حفظ و سوزاندن بقایا با چهار روش تهیه بستر و کاشت، به ترتیب تحت نامهای گاواهن برگرداندار، دیسک، خیش چلی و عدم خاک ورزی، با به کارگیری طرح کرت‌های نواری در قالب بلوک‌های کامل تصادفی، در چهار تکرار ارزیابی شد.

بهبود وضعیت استقرار و شرایط رشد گیاهان در شرایط سوزاندن بقایا، سبب افزایش معنی‌دار تعداد بوته در واحد سطح، وزن خشک اندامهای هوایی، تعداد گره در ساقه فرعی، ارتفاع بوته، تعداد غلاف در ساقه اصلی، در بوته و در متر مربع، تعداد دانه در غلاف ساقه اصلی و ساقه‌های فرعی، تعداد دانه در ساقه اصلی، عملکرد دانه، عملکرد بیولوژیک و شاخص برداشت گردید. تراکم بوته زیادتر در این شرایط، سبب کاهش معنی‌دار تعداد ساقه‌های فرعی و تعداد غلاف در ساقه‌های فرعی شد. شرایط مطلوب استقرار و رشد در تیمارهای دیسک و گاواهن برگرداندار، سبب افزایش معنی‌دار تراکم بوته، وزن خشک اندامهای هوایی، تعداد گره در ساقه فرعی، ارتفاع بوته، تعداد غلاف در ساقه اصلی و در متر مربع، تعداد دانه در غلاف ساقه اصلی و ساقه‌های فرعی، تعداد دانه در ساقه اصلی، عملکرد دانه، عملکرد بیولوژیک و شاخص برداشت گردید. تیمار عدم خاک ورزی کمترین مقادیر را برای خصوصیات فوق داشت. بر اساس نتایج حاصله، استفاده از دیسک تحت شرایط سوزاندن بقایا، ممکن است مطلوب‌تر از بقیه روشهای تهیه بستر از نظر عملکرد دانه، در شرایط مشابه با آزمایش حاضر باشد.

واژه‌های کلیدی - بستر بندر، ماش، رشد رویشی، اجزاء عملکرد، عملکرد دانه

مقدمه

در شرایط کشت مضاعف، استفاده از روشهای کاهش	۱۳)، افزایش و حفظ ذخیره رطوبتی خاک، بخصوص در شرایط
عملیات خاک ورزی نسبت به روش معمول خاک ورزی به جهت	دیم (۸، ۱۰ و ۱۸) و کاهش فرسایش خاک (۴، ۵، ۱۰ و ۱۳)
صرفه جویی در زمان (۵)، انرژی و هزینه‌های تولید (۵، ۱۰ و	ارجحیت بیشتری دارد (۱۹). این امتیازات موجب شده است تا

* - به ترتیب دانشجوی سابق کارشناسی ارشد زراعت و دانشیار گروه زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان

مطالعه‌ای در رابطه با اثرات روشهای متفاوت تهیه بستر بر رشد، نمو و عملکرد ماش انجام نشده است. این مطالعه به منظور بررسی اثرات روشهای مختلف تهیه بستر بر رشد رویشی و زایشی ماش (لاین آزمایشی ۱۶-۶۱-۱) انجام گرفت.

مواد و روشها

آزمایش در سال ۱۳۷۵ در مزرعه تحقیقاتی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان واقع در لورک نجف آباد (۴۰ کیلومتری جنوب غربی اصفهان، عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۲ دقیقه شمالی، طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲۳ دقیقه شرقی و ارتفاع ۱۶۳۰ متر از سطح دریا) انجام شد. منطقه نجف آباد طبق طبقه بندی کوپن دارای اقلیم خشک، بسیار گرم با تابستانهای گرم و خشک می باشد (۲). خاک محل آزمایش دارای بافت لومرسی با جرم مخصوص ظاهری ۱/۴ گرم بر سانتیمتر مکعب، pH حدود ۷/۶ و با ظرفیت مزرعه ۲۳٪ وزنی می باشد. زمین در سال اجرای آزمایش زیر کشت گندم بود که در نیمه دوم خرداد ۱۳۷۵ از ارتفاع ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتری از سطح خاک توسط کمباین برداشت گردید. با پنج پرتاب تصادفی قابی به ابعاد ۱ متر در سطح مزرعه و جمع آوری کاه و کلش، مقدار بقایای گندم تعیین شد.

آزمایش با استفاده از طرح کرت های نواری، در قالب بلوک های کامل تصادفی با چهار تکرار انجام شد. تیمار بقایای گیاهی در دو سطح (سوزاندن و حفظ بقایا) و روشهای تهیه بستر و کاشت در چهار سطح زیر اجرا گردید:

- ۱) بذر و کودپاشی با دست - دیسک سطحی - آبیاری (تیمار عدم خاک ورزی)
- ۲) آبیاری - کودپاشی - دیسک به عمق ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر - کشت خطی با دست - آبیاری (تیمار دیسک)
- ۳) آبیاری - کودپاشی - خیش چی^۵ به عمق ۸ تا ۱۰ سانتیمتر - کشت خطی با دست - آبیاری (تیمار خیش چی)
- ۴) آبیاری - گاواهن برگرداندار به عمق ۲۰ سانتیمتر - کودپاشی

سیستم های مختلف کاهش عملیات خاک ورزی از قبیل شخم - کاشت^۱، خاک ورزی - کاشت^۲، دیسک - کاشت^۳ و کشت بدون خاک ورزی^۴ مورد نظر قرار گیرد (۵). کاهش خاک ورزی و عدم فرصت برای پوسیدگی بقایای محصول قبلی با مشکلاتی مانند تراکم خاک (۶، ۲۱ و ۲۶)، تداخل بقایای گیاهی در استقرار محصول (۴ و ۲۸)، افزایش غلظت فیتوتوکسین ها (۵، ۱۵، ۱۷ و ۲۳)، نقصان عناصر غذایی خاک (۱۷ و ۲۲) و کاهش عمق گسترش ریشه (۱۶ و ۱۸) همراه می باشد. شدت این مسایل و کارایی نسبی روشهای خاک ورزی به خصوصیات محصول قبلی در تناوب و نحوه کاشت آن، خصوصیات خاک و توزیع بارندگی بستگی دارد و بازدهی آن در مناطق مختلف یکسان نیست (۵ و ۶).

مطالعات مختلف اثرات نامطلوب روشهای کاهش خاک ورزی را بر استقرار گیاه و تراکم بوته (۳، ۱۵، ۱۶، ۲۳ و ۲۸) و ارتفاع، سطح برگ و تجمع ماده خشک گیاه (۴ و ۱۳) نشان داده است. در حالی که در مطالعات ال مور (۱۱ و ۱۲) روشهای مختلف تهیه بستر بر ارتفاع و میزان ماده خشک تولید شده در سویا هیچ تأثیری نداشته است. نتایج به دست آمده در مورد اثرات روشهای مختلف خاک ورزی بر عملکرد گیاهان نیز در تضاد است. ال مور (۱۱) در بررسی اثرات دو سیستم خاک ورزی (سه بار دیسک تاندوم در مقایسه با عدم خاک ورزی) بر روی سویا و ال دربی و لآوری (۴) در بررسی اثر چهار روش خاک ورزی روی ذرت مشاهده نمودند که روشهای تهیه بستر تأثیری بر عملکرد گیاه ندارد. در صورتی که در مطالعات دیک و همکاران (۸) روی سویا و ایزورال و همکاران (۱۶) روی گندم، عملکرد پایین تری در شرایط کاهش عملیات خاک ورزی نسبت به خاک ورزی معمول به دست آمد. ظاهراً روشهای مختلف تهیه بستر از طریق تأثیر بر خصوصیات فیزیکی و شیمیایی (۱۶، ۱۷ و ۲۷)، رطوبت (۵، ۸ و ۹) و دمای خاک (۱۳، ۲۲، ۲۴ و ۲۵) روی رشد، نمو و عملکرد گیاه تأثیر مثبت یا منفی می گذارند (۱۹). علیرغم گسترش کشت مضاعف گندم - ماش در منطقه اصفهان،

- کشت خطی با دست - آبیاری (تیمار گاواهن برگرداندار)
تیمار بقایای گیاهی در کرت‌هایی به ابعاد 12×16 متر اعمال گردید. پس از یکنواخت نمودن پراکندگی بقایا در سطح خاک، عمل سوزاندن بقایا با شعله افکن و با دقت کامل صورت گرفت. بعد از انجام آبیاری در تیمارهای مورد نظر و گاوارو شدن زمین، روشهای مختلف خاک‌ورزی در کرت‌هایی به ابعاد 3×24 متر به اجرا گذاشته شد. نیتروژن آغازین در جریان عملیات تهیه بستر و به میزان 23 کیلوگرم در هکتار (به فرم اوره با 46% نیتروژن) به صورت پراکندن به کرت‌ها اضافه گردید. علاوه بر مقدار نیتروژن فوق، با احتساب 7 تن بقایای گیاهی در هکتار و ضریب تثبیت نیتروژن توسط بقایای گیاهی برابر 1% وزن بقایای گیاهی (8 و 19)، مقدار نیتروژن لازم برای جبران آلی شدن آن محاسبه و همراه با کودپاشی به تیمارهای حفظ بقایا اضافه گردید. هر کرت فرعی (به استثناء کرت‌های تیمار عدم خاک‌ورزی) شامل هشت ردیف کاشت به فاصله 30 سانتیمتر و به طول 10 متر بود. جهت کاشت، با احتساب تراکم 55 بذر در مترمربع و با توجه به 95% جوانه‌زنی بذر، مقدار تقریبی 7 گرم بذر ماش (لاین آزمایشی $16-61-1$) توسط پیمان مناسب اندازه‌گیری و در هر ردیف کاشت به طور یکنواخت توزیع گردید. در تیمار عدم خاک‌ورزی، بر اساس مساحت هر کرت (حدود 40 مترمربع)، مقدار 100 گرم بذر ماش توزین و به طور تقریباً یکنواخت در سطح زمین پخش گردید. آبیاری‌های پس از استقرار گیاه بر اساس 70 میلیمتر تبخیر از تشت تبخیر کلاس A (مستقر در مزرعه) به عمل آمد. وجین علف‌های هرز با دست و دو بار در نیمه اول فصل رشد گیاه انجام شد.

به منظور تخمین اثر تیمارهای آزمایشی بر استقرار بوته‌ها، تعداد بوته در یک مترمربع از ابتدای ردیف‌های کاشت دوم، سوم و چهارم هر کرت با رعایت حاشیه در 22 روز پس از کاشت شمرده شد. بوته‌های واقع در همین ناحیه در 79 روز پس از کاشت (آغاز رسیدگی اولین نیام‌ها) از سطح خاک برداشت شد و قسمتهای هوایی بوته‌ها به تفکیک برگ، ساقه و غلاف پس از

خشک شدن در آون با دمای 70 درجه سانتیگراد به مدت 48 ساعت با دقت 0.01 گرم توزین گردید. در تیمار عدم خاک‌ورزی، برای نمونه‌گیری فوق و نمونه‌گیریهای بعدی، از قابلهایی به ابعاد 1 متر استفاده شد و نمونه‌گیری با رعایت حاشیه به عمل آمد. به منظور بررسی رشد رویشی در مرحله رسیدگی فیزیولوژیک (پیدایش لکه‌های زرد رنگ روی 95% از نیام‌ها) مساحتی معادل 1 مترمربع از خطوط کاشت دوم، سوم و چهارم با رعایت حاشیه برداشت گردید و ارتفاع بوته (از سطح زمین تا راس بالاترین برگ باز شده)، تعداد ساقه فرعی در بوته و تعداد گره در ساقه اصلی و ساقه‌های فرعی اندازه‌گیری شد. برای مشخص نمودن اجزاء عملکرد ماش، بوته‌های واقع در 1 مترمربع از ردیف‌های دوم، سوم و چهارم هر کرت در مرحله رسیدگی کامل با رعایت حاشیه برداشت شد و تعداد غلاف در ساقه اصلی، ساقه‌های فرعی، بوته و در مترمربع، تعداد دانه در غلاف و تعداد کل دانه در ساقه اصلی و ساقه‌های فرعی و وزن هزار دانه تعیین گردید. جهت تعیین عملکرد دانه، سطحی معادل 5 مترمربع از ردیف‌های ششم و هفتم هر کرت با رعایت حاشیه برداشت شد و عملکرد دانه بر اساس 13% رطوبت محاسبه گردید. به منظور تعیین عملکرد بیولوژیک و شاخص برداشت، بوته‌های واقع در 1 مترمربع از ردیف‌های دوم، سوم و چهارم با رعایت حاشیه از سطح خاک قطع شد و پس از خشک کردن آنها در دمای 70 درجه سانتیگراد به مدت 48 ساعت، بخش رویشی و دانه توزین گردید و شاخص برداشت محاسبه شد.

داده‌های حاصل با استفاده از برنامه کامپیوتری اس. آ. اس^۱ مورد تجزیه آماری قرار گرفت و میانگین‌ها، در صورت معنی‌دار بودن اثر عامل آزمایشی، با آزمون چند دامنه دانکن در سطح احتمال 5% مقایسه شد. برای رسم نمودارها از برنامه کامپیوتری کوآتروپرو^۲ استفاده به عمل آمد.

نتایج و بحث

اثر تیمارهای آزمایشی بر تعداد بوته در واحد سطح معنی‌دار

رویش گیاه و تجمع ماده خشک در واحد سطح داشته است. در این زمینه نتایج مشابهی توسط دیگران (۱۸، ۲۴ و ۲۶) نیز گزارش شده است.

تعداد ساقه فرعی در بوته به طور معنی داری تحت تأثیر عوامل آزمایشی قرار گرفت. تعداد ساقه فرعی در تیمار حفظ بقایا بیشتر از روش سوزاندن بقایا بود. همچنین تحت تیمارهای خیش چپی و عدم خاک ورزی، تعداد ساقه فرعی بیشتری در بوته نسبت به تیمارهای گاواهن برگرداندار و دیسک تولید شد (جدول ۲). افزایش تعداد ساقه فرعی در بوته در شرایط حفظ بقایا و تیمارهای خیش چپی و عدم خاک ورزی را می توان نتیجه کاهش تراکم بوته در واحد سطح در این تیمارها (جدول ۱) دانست ($r^2 = 0.81$). در شرایط کم بودن تراکم بوته، انتظار می رود رقابت کمتر برای نور همراه با کاهش چیرگی جوانه انتهایی (از طریق تجزیه اکسین) سبب گستردگی بوته ها شده و مواد غذایی عمدتاً صرف رشد شاخه های جانبی گردد (۲۰) و تعداد ساقه فرعی بیشتری در بوته حاصل شود.

بین روشهای حفظ و سوزاندن بقایای گیاهی و تیمارهای مختلف خاک ورزی، از نظر تعداد گره در ساقه اصلی تفاوت معنی داری وجود نداشت. اما تعداد گره در ساقه های فرعی به طور معنی داری تحت تأثیر تیمارهای بقایا و خاک ورزی قرار گرفت. تعداد گره در ساقه های فرعی در روش حفظ بقایا نسبت به سوزاندن بقایا و در تیمارهای خیش چپی و عدم خاک ورزی نسبت به گاواهن برگرداندار و دیسک کمتر بود (جدول ۲). ظاهراً افزایش تعداد ساقه فرعی در بوته در روش حفظ بقایا و در تیمارهای خیش چپی و عدم خاک ورزی (جدول ۲)، همراه با کاهش طول دوره رشد گیاه (۱)، مانع از رشد و گسترش کامل تمامی ساقه های فرعی در بوته گشته و همین امر موجب کاهش میانگین تعداد گره در ساقه های فرعی گردیده است.

ارتفاع بوته به طور معنی داری تحت تأثیر تیمار بقایا قرار گرفت. تیمار حفظ بقایا نسبت به سوزاندن بقایا ارتفاع بوته کمتری داشت (جدول ۲). این نکته توسط محققین دیگر (۲۱، ۲۳ و ۲۴) نیز گزارش شده است. به نظر می رسد تأمین بهتر

بود. تحت تیمار حفظ بقایا، تراکم بوته در ۲۲ روز پس از کاشت کاهش یافت (جدول ۱). کاهش استقرار گیاهچه ها در شرایط حفظ بقایای گیاهی، می تواند نتیجه اثر احتمالی آللوپاتیک بقایای گندم (۱۷) و نایکنواختی عمق کاشت و عدم تماس کافی بذرها با خاک (۲۱ و ۲۳) باشد. تیمارهای خیش چپی و خصوصاً عدم خاک ورزی از تراکم بوته کمتری نسبت به تیمارهای گاواهن برگرداندار و دیسک برخوردار بودند. ظاهراً وجود مقدار زیادی بقایای گیاهی و ناهمواری سطح خاک سبب نایکنواختی عمق کاشت و نتیجتاً استقرار نامطلوب بذر در تیمارهای خیش چپی و عدم خاک ورزی شد. نتایج مطالعات دیگر (۱۶، ۲۱، ۲۲ و ۲۳) نیز با این یافته ها منطبق می باشد. همچنین عدم انجام آبیاری قبل از کاشت در تیمار عدم خاک ورزی، در کاهش عمق نفوذ دستگاه و ایجاد پوشش نامتعادل خاک بر روی بذرها و بالطبع استقرار نامطلوب گیاهان نسبت به سایر روشهای خاک ورزی اثر تشدید کننده ای داشته است.

وزن خشک برگ، ساقه، غلاف و کل اندامهای هوایی به طور معنی داری تحت تأثیر تیمار بقایا و عملیات خاک ورزی قرار گرفت. وزن خشک برگ، ساقه، غلاف و کل اندام هوایی در تیمار حفظ بقایا کمتر از روش سوزاندن بقایا بود (جدول ۱). ظاهراً تراکم بوته بیشتر به دلیل استقرار بهتر گیاهان در روش سوزاندن بقایا (جدول ۱) منجر به تولید ماده خشک بیشتر در این تیمار شده است (۲۱ و ۲۲). احتمالاً فراهمی بیشتر عناصر غذایی معدنی، خصوصاً در ابتدای فصل رشد، در تیمار سوزاندن بقایا (۱) نیز نقش موثری در بهبود رشد رویشی و تجمع ماده خشک در واحد سطح داشته است. بیشترین وزن برگ، ساقه، غلاف و کل اندامهای هوایی در واحد سطح با تیمارهای گاواهن برگرداندار و دیسک به دست آمد (جدول ۱). کاهش تراکم بوته در واحد سطح در تیمارهای خیش چپی و عدم خاک ورزی (جدول ۱)، بخشی از تغییرات وزن خشک تولید شده در واحد سطح را توجیه می نماید (۳ و ۱۷). به هر حال، احتمال می رود که کاهش تراکم خاک در تیمارهای گاواهن برگرداندار و دیسک (۱) سهم بسزایی در افزایش توان رشد

جدول ۱ - تأثیر عوامل آزمایشی بر تراکم بوته در ۲۲ روز پس از کاشت و وزن خشک برگ، ساقه، غلاف و کل اندام هوایی در ۷۹ روز پس از کاشت*

عوامل آزمایشی	تعداد بوته در متر مربع	وزن خشک (گرم در متر مربع)			بقایای گیاهی
		برگ	ساقه	غلاف	
بقایای گیاهی					
سوختن بقایا	۴۹/۲ a	۳۱۵ a	۱۶۶ a	۲۱۸ a	۷۰۱ a
حفظ بقایا	۴۴/۸ b	۲۵۸ b	۱۴۷ b	۱۷۳ b	۵۷۹ b
خاک‌ورزی					
گاواهن برگرداندار	۵۱/۵ a	۳۱۹ a	۱۶۴ a	۲۱۶ a	۷۰۰ a
دیسک	۵۱/۱ a	۳۰۵ a	۱۶۷ a	۲۱۳ a	۶۸۷ a
خیش‌چی	۴۵/۵ b	۲۸۲ b	۱۵۹ ab	۱۸۸ a	۶۳۰ b
عدم خاک‌ورزی	۳۷/۰ c	۲۴۰ c	۱۳۸ b	۱۶۶ c	۵۴۴ c

* - اعداد هر عامل آزمایشی در هر ستون که در یک حرف مشترک هستند فاقد تفاوت آماری بر اساس آزمون دانکن در سطح احتمال ۵٪ می‌باشند.

جدول ۲ - تأثیر عوامل آزمایشی بر تعداد ساقه فرعی، تعداد گره در ساقه اصلی و ساقه‌های فرعی و ارتفاع بوته*

عوامل آزمایشی	تعداد ساقه فرعی در بوته	تعداد گره در		ارتفاع بوته (سانتیمتر)
		ساقه اصلی	ساقه فرعی	
بقایای گیاهی				
سوختن بقایا	۲/۴۷ b	۹/۵۳ a	۴/۵۹ a	۷۹/۹ a
حفظ بقایا	۲/۸۲ a	۹/۵۱ a	۳/۷۲ b	۶۷/۷ b
خاک‌ورزی				
گاواهن برگرداندار	۲/۳۹ c	۹/۵۳ a	۴/۴۴ a	۷۰/۸ a
دیسک	۲/۴۵ c	۹/۵۴ a	۴/۳۳ a	۷۰/۸ a
خیش‌چی	۲/۶۸ b	۹/۴۸ a	۴/۰۸ ab	۶۷/۹ b
عدم خاک‌ورزی	۳/۶۰ a	۹/۵۲ a	۳/۷۸ b	۶۵/۵ c

* - اعداد هر عامل آزمایشی در هر ستون که در یک حرف مشترک هستند فاقد تفاوت آماری بر اساس آزمون دانکن در سطح احتمال ۵٪ می‌باشند.

عناصر غذایی در روش سوزاندن بقایا (۱)، نقش موثری در بهبود رشد رویشی و افزایش ارتفاع بوته داشته است. ارتفاع بوته تحت تأثیر معنی دار تیمارهای خاک ورزی قرار گرفت. عملیات خاک ورزی با دیسک و گاوآهن برگرداندار از طریق کاهش تراکم خاک (۱) و احتمالاً افزایش عمق نفوذ و توسعه ریشه ها در خاک، نقش موثری در افزایش رشد رویشی و ارتفاع گیاهان داشته است. پژوهشگران دیگر (۶ و ۲۲) نیز رشد اندامهای هوایی را تابعی از رشد ریشه ها در خاک دانسته و معتقدند که با افزایش عمق عملیات خاک ورزی، رشد رویشی گیاه بهبود پیدا می کند. نظر به این که طول ساقه حاصل ضرب تعداد گره در طول میانگره است، بنابراین کاهش طول ساقه اصلی در روش حفظ بقایای گیاهی و تیمارهای خیش چپی و عدم خاک ورزی، با توجه به ثبات تعداد گره در ساقه اصلی (جدول ۲)، می تواند به کاهش طول میانگره در ساقه اصلی مربوط باشد.

تعداد غلاف در ساقه اصلی و ساقه های فرعی تحت تأثیر معنی دار تیمارهای بقایا و خاک ورزی قرار گرفت. تعداد غلاف در ساقه اصلی تحت تیمار سوزاندن بقایا افزایش یافت. همچنین تیمارهای گاوآهن برگرداندار و دیسک با اختلاف ناچیزی با یکدیگر، دارای بیشترین تعداد غلاف در ساقه اصلی بودند (جدول ۳). بیشتر بودن تعداد غلاف در ساقه اصلی در روش سوزاندن بقایا و تیمارهای گاوآهن برگرداندار و دیسک را می توان نتیجه افزایش توان تولیدی گیاه، از طریق بهبود وضعیت تغذیه، در روش سوزاندن بقایا و کاهش تراکم خاک در تیمارهای گاوآهن برگرداندار و دیسک (۱) دانست. تعداد غلاف در ساقه های فرعی در تیمار حفظ بقایا بالاتر بود و تیمارهای گاوآهن برگرداندار و عدم خاک ورزی به ترتیب کمترین و بیشترین تعداد غلاف در ساقه های فرعی را داشتند (جدول ۳). افزایش تعداد ساقه فرعی در بوته در تیمار حفظ بقایا و تیمارهای خیش چپی و عدم خاک ورزی (جدول ۲)، به خوبی افزایش تعداد غلاف در ساقه های فرعی را توجیه می کند ($T=0/81^{***}$). نتایج مشابهی در مطالعات دیگران (۱۱ و ۲۸) به دست آمده است.

تعداد غلاف در بوته و در واحد سطح تحت تأثیر تیمار بقایا قرار گرفت. تیمارهای خاک ورزی تأثیر معنی داری بر تعداد غلاف در بوته نداشتند، اما بر تعداد غلاف در واحد سطح به طور معنی داری تأثیر نمودند. بیشتر بودن تعداد غلاف در بوته تحت تیمار سوزاندن بقایا (جدول ۳) را می توان در رابطه با افزایش تعداد غلاف در ساقه اصلی از یکسو و افزایش توان تولیدی گیاه از طریق بهبود وضعیت تغذیه در تیمار سوزاندن بقایا (۱) از سوی دیگر دانست. عدم وجود تفاوت معنی دار بین تیمارهای خاک ورزی از نظر تعداد غلاف در بوته (جدول ۳)، می تواند نتیجه کاهش تراکم بوته در تیمارهای خیش چپی و بخصوص عدم خاک ورزی (جدول ۱) و نتیجتاً اثرات جبران کنندگی بوته ها، از طریق افزایش تعداد ساقه فرعی در بوته (جدول ۲) و افزایش تعداد نسبی غلاف در ساقه های فرعی در این تیمارها باشد. در مطالعات محققین دیگر (۷، ۲۴ و ۲۸) نیز روشهای مختلف خاک ورزی تأثیری بر تعداد غلاف در بوته نداشت. افزایش تعداد غلاف در واحد سطح در روش سوزاندن بقایا و تیمارهای گاوآهن برگرداندار و دیسک را می توان به بهبود وضعیت استقرار گیاهان (۱) و تراکم بوته بیشتر در واحد سطح (جدول ۱) در این تیمارها مربوط دانست. وجود ضریب همبستگی مثبت معنی دار ($T=0/81^{***}$) بین تراکم بوته و تعداد غلاف در واحد سطح موید نتیجه گیری فوق است.

تعداد دانه در غلاف ساقه اصلی و غلاف ساقه های فرعی و تعداد دانه در ساقه اصلی تحت تأثیر معنی دار تیمارهای بقایا و خاک ورزی قرار گرفتند، اما تعداد دانه در ساقه های فرعی تحت تأثیر تیمارهای آزمایشی واقع نشد. تعداد دانه در غلاف ساقه اصلی و در غلاف ساقه های فرعی و تعداد دانه در ساقه اصلی تحت تیمار حفظ بقایا کاهش یافت. همچنین تیمارهای گاوآهن برگرداندار و دیسک بیشترین و تیمار عدم خاک ورزی کمترین تعداد دانه را در غلاف ساقه اصلی و در غلاف ساقه های فرعی و در ساقه اصلی داشتند (جدول ۳). ظاهراً کاهش توان تولیدی گیاه، به جهت نامناسب بودن وضعیت تغذیه گیاه در روش حفظ بقایا و افزایش تراکم خاک در تیمارهای خیش چپی و عدم

جدول ۳ - تاثیر عوامل آزمایشی بر اجزاء عملکرد*

وزن هزار دانه (گرم)	تعداد دانه در		تعداد دانه در غلاف		مترمربع	بوته	تعداد غلاف در		عوامل آزمایشی
	ساقه اصلی	ساقه های فرعی	ساقه اصلی	ساقه های فرعی			ساقه اصلی	ساقه های فرعی	
۴۱/۶a	۲۶/۸۳a	۸۶/۲a	۶/۴۹a	۸/۳۰a	۷۱۲a	۱۴/۹۶a	۴/۲۸b	۱۰/۳۷a	بقایای گیاهی
۴۰/۲a	۲۹/۹۵a	۶۹/۴b	۶/۰۲b	۷/۰۹b	۵۶۳b	۱۳/۰۳b	۵/۱۹a	۸/۷۴b	
۴۰/۷a	۲۷/۴۴a	۸۳/۰a	۷/۱۰a	۸/۲۴a	۶۹۰a	۱۳/۹۰a	۳/۹۰c	۱۰/۰۰a	ساختن بقایا
۴۰/۲a	۲۸/۶۹a	۷۹/۶a	۶/۹۳a	۸/۱۶a	۶۹۲a	۱۳/۹۲a	۴/۲۴bc	۹/۶۸ab	
۴۱/۱a	۲۸/۸۶a	۷۰/۱b	۶/۰۴b	۷/۵۳b	۶۵۶b	۱۳/۸۸a	۴/۵۱b	۹/۳۷b	حفظ بقایا
۴۱/۵a	۲۹/۵۸a	۶۰/۸c	۵/۸۶b	۶/۸۴c	۵۱۵c	۱۳/۹۶a	۵/۰۳a	۸/۹۳b	
									خاک و رزی
									گاواهن برگرداندار
									دیسک
									خیش چمی
									عدم خاک و رزی

* - اعداد هر عامل آزمایشی در هر ستون که در یک حرف مشترک هستند فاقد تفاوت آماری بر اساس آزمون دانکن در سطح احتمال ۵٪ می باشند.

جدول ۴ - تأثیر عوامل آزمایشی بر عملکرد دانه (کیلوگرم در هکتار)، عملکرد بیولوژیک (گرم در مترمربع)

و شاخص برداشت (درصد)*			
عوامل آزمایشی	عملکرد دانه	عملکرد بیولوژیک	شاخص برداشت
<u>بقایای گیاهی</u>			
سوختن بقایا	۲۲۷۳ a	۷۵۳ a	۳۱/۱ a
حفظ بقایا	۱۵۷۷ b	۶۴۷ b	۲۶/۰ b
<u>خاک ورزی</u>			
گاواهن برگرداندار	۲۱۸۲ a	۷۵۱ a	۲۹/۴ a
دیسک	۲۱۵۸ a	۷۶۴ a	۲۹/۶ a
خیش چی	۱۹۳۹ b	۶۹۴ b	۲۹/۳ a
عدم خاک ورزی	۱۳۷۲ c	۵۹۰ c	۲۴/۹ b

* - اعداد هر عامل آزمایشی در هر ستون که در یک حرف مشترک هستند فاقد تفاوت آماری بر اساس آزمون دانکن

در سطح احتمال ۵٪ می باشند.

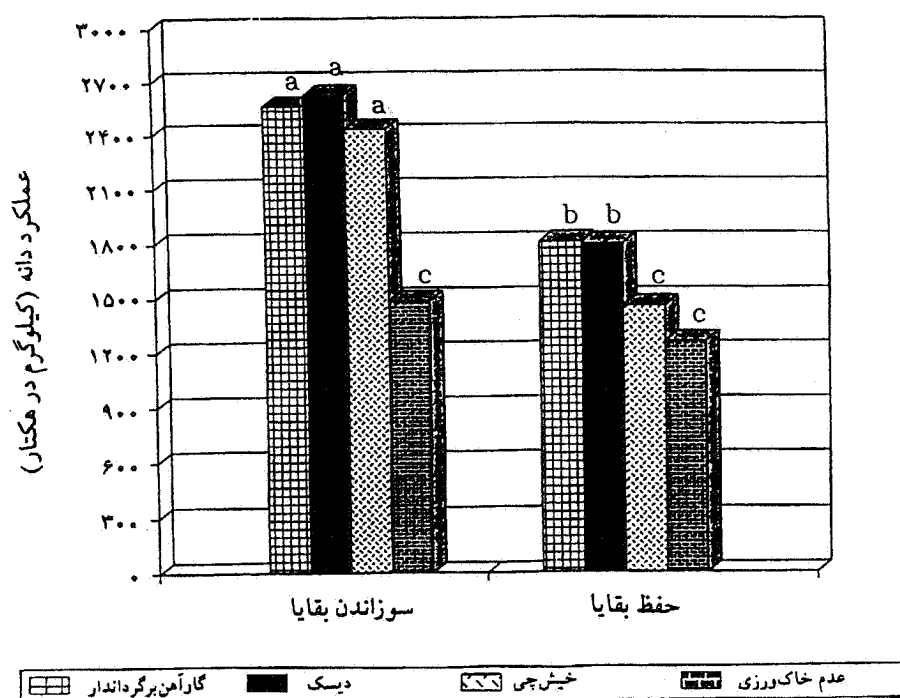
دانه ($I=0/87^{***}$) و همبستگی منفی معنی دار تعداد دانه در ساقه های فرعی با عملکرد دانه ($I=-0/32^{***}$) با این نتیجه گیری هماهنگ است.

بین تیمارهای حفظ و سوزاندن بقایای گیاهی و روشهای مختلف خاک ورزی از نظر وزن هزار دانه تفاوت معنی داری وجود نداشت، هر چند وزن هزار دانه بیشتری با تیمارهای سوزاندن بقایا، خیش چی و عدم خاک ورزی به دست آمد (جدول ۳). عدم تفاوت معنی دار بین تیمارها ممکن است به دلیل نقش جبرانی وزن هزار دانه به عنوان آخرین جزء عملکرد باشد. محققین دیگر (۱۴، ۲۴ و ۲۸) نیز به این نتیجه دست یافتند.

عملکرد دانه به طور معنی داری تحت تأثیر تیمارهای بقایا و خاک ورزی قرار گرفت. در مجموع بهبود وضعیت تغذیه گیاه (۱) و نتیجتاً بهبود خصوصیات رشد رویشی (جدول ۱ و ۲) و زایشی (جدول ۳) همراه با افزایش تراکم بوته (جدول ۱) در تیمار سوزاندن بقایا منجر به افزایش عملکرد دانه در این تیمارگردید (جدول ۴). ایزورال و همکاران (۱۶) استقرار مطلوب بوته و آندرساندر و ریجر (۲۷) فراهمی عناصر غذایی

خاک ورزی (۱)، همراه با افزایش تعداد ساقه فرعی در بوته (جدول ۲) و تعداد غلاف در ساقه های فرعی در این تیمارها (جدول ۳)، سبب افزایش رقابت درون گیاهی در جهت انتقال مواد فتوسنتزی به گل آذین ها شده که نتیجه آن تشکیل دانه های کمتر در غلاف ساقه اصلی و غلاف ساقه های فرعی تحت تیمارهای ذکر شده می باشد. به هر حال، افزایش تعداد غلاف در ساقه های فرعی، به دلیل اثرات جبران کنندگی کاهش تراکم بوته تحت تیمارهای خیش چی و عدم خاک ورزی و روش حفظ بقایا (جدول ۱)، توانست اختلاف تعداد دانه در ساقه های فرعی را با تیمارهای دیگر از بین ببرد (جدول ۳).

تعداد دانه در ساقه های فرعی حدود ۳۶/۵٪ تعداد دانه در ساقه اصلی هر بوته بود. از آنجایی که در هر بوته به طور میانگین ۲/۶۴ ساقه فرعی وجود داشت، بنابراین بازده هر ساقه فرعی از نظر تعداد دانه حدود ۱۴٪ ساقه اصلی بود. بر این اساس افزایش تراکم بوته و در نتیجه تعداد ساقه اصلی در واحد سطح می تواند موجب افزایش عملکرد گردد، هر چند که این امر ممکن است سبب کاهش تعداد ساقه فرعی در واحد سطح شود. همبستگی مثبت معنی دار تعداد دانه در ساقه اصلی با عملکرد



شکل ۱- اثر متقابل بقایای گیاهی با خاک ورزی بر عملکرد دانه. ستونهایی که در یک حرف مشترک هستند فاقد تفاوت آماری براساس آزمون دانکن در سطح احتمال ۵٪ می باشند.

خاک ورزی در شرایط سوزاندن بقایا، افت شدیدی نسبت به سایر تیمارهای خاک ورزی داشت. همچنین تیمار خیش چمی عملکرد دانه کمتری در تیمار حفظ بقایا نسبت به تیمار سوزاندن بقایا تولید نمود (شکل ۱). بیشتر بودن عملکرد دانه در روشهای خاک ورزی با گاوا آهن برگرداندار و دیسک در شرایط سوزاندن بقایا را می توان به بهبود وضعیت تغذیه گیاه (۱) و استقرار مطلوب گیاهان (جدول ۱)، همراه با کاهش تراکم خاک (۱) در این تیمارها نسبت داد. این نتیجه گیری با یافته های سایر مطالعات (۱۶، ۲۲ و ۲۷) هماهنگ است.

اثر تیمارهای بقایا و خاک ورزی بر عملکرد بیولوژیک و شاخص برداشت معنی دار بود. عملکرد بیولوژیک تحت تیمار حفظ بقایای گیاهی کاهش یافت. همچنین تیمارهای گاوا آهن برگرداندار و دیسک با اختلاف ناچیزی با یکدیگر (۱/۵٪)، بالاترین عملکرد بیولوژیک را به خود اختصاص دادند (جدول ۴). بیشتر بودن عملکرد بیولوژیک را تحت تیمار سوزاندن بقایا

معدنی، بخصوص نیتروژن را در تیمار سوزاندن بقایا از دلایل بهبود رشد رویشی و افزایش عملکرد دانه در این شرایط دانسته اند. بیشتر بودن عملکرد دانه را در روشهای خاک ورزی با دیسک و گاوا آهن برگرداندار می توان به استقرار مطلوب گیاهان (جدول ۱) همراه با کاهش تراکم خاک (۱) و نتیجتاً بهبود رشد گیاه (جدول ۲) و تعداد زیادتر دانه در ساقه اصلی (جدول ۳) در این تیمارها نسبت داد. برخی از مطالعات (۱۷، ۲۳ و ۲۵) افزایش عملکرد در سیستم های خاک ورزی معمول را نتیجه بهبود وضعیت استقرار گیاهان و برخی دیگر (۶، ۱۸ و ۲۶) کاهش تراکم خاک و رشد و توسعه بیشتر ریشه ها در خاک و در نتیجه اندامهای هوایی دانسته اند.

اثر متقابل تیمار بقایای گیاهی با تیمار خاک ورزی بر عملکرد دانه معنی دار بود. عملکرد دانه در تیمارهای گاوا آهن برگرداندار و دیسک در روشهای حفظ و سوزاندن بقایا تفاوت معنی داری با یکدیگر نداشتند، در حالی که عملکرد دانه در تیمار عدم

تولید دانه (جدول ۳)، سبب کاهش شاخص برداشت در این تیمارها شده باشد.

در مجموع ممکن است چنین نتیجه گیری نمود که در کشت مضاعف گندم و ماش، تیمار دیسک در شرایط سوزاندن بقایا مطلوب تر از بقیه روشهای تهیه بستر می باشد. با این حال انتظار می رود که با استفاده از دیسک در شرایط حفظ بقایا نیز بتوان عملکرد دانه را در حد مطلوبی افزایش داد، مشروط بر این که از مقدار بذری بیشتری همراه با مصرف میزان کافی عناصر غذایی، خصوصاً نیتروژن، در ابتدای دوره رشد گیاه (جهت جبران آلی شدن عناصر غذایی) استفاده گردد.

و تیمارهای گاوآهن برگرداندار و دیسک می توان نتیجه بهبود وضعیت استقرار گیاهان (جدول ۱) و اثرات بهبود کمی و کیفی بستر رشد گیاه در این تیمارها (۱) دانست. نتایج مشابهی در سایر مطالعات (۳، ۶، ۱۷، ۱۸ و ۲۲) به دست آمده است. کمتر بودن شاخص برداشت را در شرایط حفظ بقایا و سیستم عدم خاک ورزی (جدول ۴) می توان در افت شدید عملکرد دانه نسبت به عملکرد بیولوژیک در این تیمارها جستجو نمود. وجود همبستگی بیشتر بین شاخص برداشت با عملکرد دانه ($r=0/89^{***}$)، در مقایسه با عملکرد بیولوژیک ($r=0/78^{***}$)، با این نتیجه گیری هماهنگ است. احتمال می رود که تولید تعداد بیشتری ساقه های فرعی در بوته در شرایط حفظ بقایا و سیستم عدم خاک ورزی (جدول ۲) و پایینی بازده ساقه های فرعی در

منابع مورد استفاده

- ۱ - جمشیدیان، ر. ۱۳۷۶. بررسی اثرات روشهای مختلف تهیه بستر بر عملکرد و اجزاء عملکرد ماش (رقم ۱۶-۶۱-۱) در اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد زراعت، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
- ۲ - کریمی، م. ۱۳۶۶. آب و هوای منطقه مرکزی ایران. انتشارات دانشگاه صنعتی اصفهان.
- 3- AL-Darby, A.M. and B. Lowery. 1986. Evaluation of corn growth and productivity with three conservation tillage systems. *Agron. J.* 78:905-909.
- 4- AL-Darby, A.M. and B. Lowery. 1987. Seed zone soil temperature and early corn growth with three conservation tillage systems. *Soil Sci. Soc. Am. J.* 51:763-774.
- 5- Baeumer, K. and W.P. Bakermans. 1973. Zero tillage. *Adv. Agron.* 25:77-119.
- 6- Cassel, C.W., D.K. Raczowski and H.P. Denton. 1995. Tillage effects on corn production and soil physical condition. *Soil Sci. Soc. Am. J.* 59:1436-1443.
- 7- Chia, A.J. 1984. Yield components of four spring wheat cultivars grown under three tillage systems. *Agron. J.* 74:317-320.
- 8- Dick, W.A., E.L. McCoy, W.M. Edwards and R. Lal. 1992. Continuous application of no-tillage to Ohio soils. *Agron. J.* 83:65-73.
- 9- Dick, W.A. and D.M. Vandoren. 1985. Continuous tillage and rotation combinations effects on corn, soybean and oat yield. *Agron. J.* 77:459-465.
- 10- Edwards, J.H., D.L. Thurlow and J.T. Eason. 1989. Influence of tillage and crop rotation on yield of corn, soybean and wheat. *Agron. J.* 80:76-80.
- 11- Elmore, R.W. 1990. Soybean cultivar response to tillage systems and planting date. *Agron. J.* 82:69-73.
- 12- Elmore, R.W. 1991. Soybean cultivar response to planting rate and tillage. *Agron. J.* 83:829-832.
- 13- Gupta, S.C., W.E. Larson and D.R. Linden. 1983. Tillage and surface residue effects on soil upper boundary temperature. *Soil Sci. Soc. Am. J.* 47:1212-1218.
- 14- Hargrove, W.L., J.T. Touchton and R.N. Gallaher. 1982. Influence of tillage practices on the fertility status

- of an acid soil double-cropped to wheat and soybean. *Agron. J.* 74:684-687.
- 15- Hicks, S.K., C.W. Wendt, J.R. Gannaway and R.B. Baker. 1989. Allelopathic effects of wheat straw on cotton germination, emergence, and yield. *Crop Sci.* 29:1057-1061.
- 16- Izaurralde, R.C., J.A. Hobbs and C.W. Swallow. 1986. Effects of reduced tillage practices on continuous wheat production and on soil properties. *Agron. J.* 76:787-791.
- 17- Karlen, D.L., P.G. Hunt and R.B. Campbell. 1984. Crop residue removal effects on corn yield and fertility of a Norfolk sandy loam. *Soil Sci. Soc. Am. J.* 48:868-872.
- 18- Kamprath, D.K., E.D. Cassel, E.J. Gross and D.W. Dibb. 1979. Tillage effects on biomass production and moisture utilization by soybean on Coastal Plain soils. *Agron. J.* 71:1001-1005.
- 19 - Lal, R. 1995. The role of residue management in sustainable agricultural system. *Adv. Agron.* 48: 51-77.
- 20 - Leopold, A.C. and P.E. Kriedeman. 1975. *Plant Growth and Development*. McGraw-Hill Book Co. New York.
- 21- Mock, J.J. and D.C. Erbach. 1977. Influence of conservation tillage environments on growth and productivity of corn. *Agron. J.* 69:337-340.
- 22- NeSmith, D.S., W.L. Hargrove, D.E. Radcliffe, E.W. Tollner and H.H. Arioglu. 1987. Tillage and residue management effects on properties of Ultisol and double-cropped soybean production. *Agron. J.* 79:570-576.
- 23- Sanford, J.O. 1984. Straw and tillage management practices in soybean-wheat double-cropping. *Agron. J.* 74:1032-1034.
- 24- Swanson, S.P. and W.W. Willhelm. 1996. Planting date and residue effects on growth, partitioning, and yield of corn. *Agron. J.* 88:205-210.
- 25- Triplett, G.B., S.M. Dabeny and J.H. Siefker. 1968. Tillage systems for cotton on silty upland soils. *Agron. J.* 88:507-512.
- 26- Touchton, J.T. and J.W. Johnson. 1982. Soybean tillage and planting method effects on yield of double-cropped wheat and soybeans. *Agron. J.* 74:57-59.
- 27- Undersander, D.J. and C. Reiger. 1985. Effect of wheat residue management on continuous production of irrigated winter wheat. *Agron. J.* 77:508-511.
- 28- Young, W.C. and H.W. Youngberg. 1996. Minimum tillage establishment of rotation crops in stubble without burning. *Agron. J.* 88:73-77.